



Paper Type: Original Article



A Comparative Study of the Role of Elective, General, and Specialized Courses on the Interest of Economics Students at Arak University in the Field of Economics

Ahmad Chehrehgani* 

Department of Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Arak University, Arak, Iran; a-chehrehgani@araku.ac.ir.

Citation:



Chehrehgani, A. (2025). A comparative study of the role of elective, general, and specialized courses on the interest of economics students at Arak university in the field of economics. *Applied studies in educational management and e-learning*, 2(2), 87-99.

Received: 06/04/2025

Reviewed: 12/05/2025

Revised: 09/07/2025

Accepted: 01/08/2025

Abstract

Purpose: The aim of this study is to comparatively examine the role of elective, general, and specialized courses in influencing the level of academic interest among economics students at Arak University.

Methodology: The research employed two common methods in humanities studies: documentary research for developing the theoretical framework and survey method for data collection. A structured questionnaire was designed based on identified indicators and distributed among students. The data were analyzed using SPSS software.

Findings: The target population consisted of economics students at Arak University. A sample of 100 students was selected for analysis.

Originality/Value: The findings indicate that specialized courses have the greatest impact on increasing students' interest in their field of study, followed by elective courses. Conversely, general courses tend to reduce student interest. It is recommended that the reasons for low engagement with general courses be examined, and multidimensional strategies be implemented to improve student motivation.

Keywords: Interest in the field of study, Economics students at Arak university, Multivariate regression, Questionnaire, Cronbach's Alpha.



Corresponding Author: chehrehgani@araku.ac.ir

<https://doi.org/10.48313/asemel.v2i2.70>

Licensee. **Applied Studies in Educational Management and E-Learning**. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).



بررسی مقایسه‌ای نقش دروس اختیاری، عمومی و تخصصی بر علاقه‌مندی دانشجویان اقتصاد دانشگاه اراک به رشته اقتصاد

احمد چهرقانی*

گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

چکیده

هدف: هدف این پژوهش، بررسی و مقایسه نقش دروس اختیاری، عمومی و تخصصی بر میزان علاقه‌مندی دانشجویان رشته اقتصاد دانشگاه اراک به رشته تحصیلی آن‌ها است.

روش‌شناسی پژوهش: این مطالعه با استفاده از دو روش اسنادی و پیمایشی انجام شده است. ابتدا چارچوب نظری و پیشینه تحقیق از طریق روش اسنادی تدوین شد، سپس با طراحی پرسشنامه بر اساس شاخص‌ها و گویه‌های مرتبط، داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفته است.

یافته‌ها: جامعه آماری شامل دانشجویان رشته اقتصاد دانشگاه اراک بوده و نمونه‌ای ۱۰۰ نفره به صورت هدفمند انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته است.

اصالت/ارزش افزوده علمی: یافته‌ها نشان داد که دروس تخصصی بیشترین نقش را در افزایش علاقه‌مندی دانشجویان به رشته تحصیلی خود دارند و دروس اختیاری نیز تاثیر مثبتی دارند، در حالی که دروس عمومی موجب کاهش علاقه دانشجویان می‌شوند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود علل عدم استقبال از دروس عمومی آسیب‌شناسی شده و راهکارهایی برای بهبود این وضعیت ارائه گردد.

کلیدواژه‌ها: علاقه‌مندی به رشته تحصیلی، دانشجویان اقتصاد دانشگاه اراک، رگرسیون چند متغیره، پرسشنامه، آلفای کرونباخ.

۱- مقدمه

بررسی میزان انگیزه و علاقه دانشجویان به رشته تحصیلی خود همواره بخشی از دغدغه‌های اجتماعی را دربر می‌گیرد. در جامعه ما نیز این امر به خوبی مشخص است به خصوص که نسل دهه ۸۰ هم‌اکنون مشغول به تحصیل هستند که با توجه به وجود فرصت‌های شغلی در بیرون از دانشگاه، این موضوع را مدنظر قرار می‌دهند که آیا ادامه تحصیلی را انتخاب نمایند یا وارد بازار کار آزاد شوند.

این نسل دانش‌آموزان و دانشجویان، چه به هنگام انتخاب رشته موردنظر خود در موقع ورود به دانشگاه و چه در هنگام تحصیل خود در رشته‌های پذیرفته شده و نیز پس از اتمام تحصیل همواره این دغدغه را دارند که چقدر و چه میزان می‌توان از تخصص خود استفاده کنند تا به فرصت‌های شغلی مناسبی دست یابند و هزینه فرصت سال‌های تحصیل در دانشگاه را جبران نمایند. دانشجویانی که اگر با فراهم بودن شرایط لازم با آگاهی و از روی علاقه به تحصیل بپردازند قطعاً جامعه‌ای پویا و خودکفا را پدید خواهند آورد که در آن خوشبختی و رضایتمندی را می‌توانند در زندگی خود

بینند. همه تلاش این تحقیق در درجه اول دادن آگاهی و خبر از باطن دانشجویان از انتخاب خودشان است و در درجات بعدی به دنبال آن است تا سیاست‌گذاران آموزشی را دعوت نموده تا راه‌حل‌های مشکلات موجود را بیابند و آن‌ها را به‌کار بندند تا بتوان فکری به حال جامعه جوان و تحصیل‌کرده امروز ایران نمود.

علاقه‌مندی به تحصیل از مهم‌ترین معیارهای پیشرفت تحصیلی دانشجو می‌باشد. طوری که اگر دانشجو به رشته خود علاقه‌مند باشد، هم در طی تحصیل با علاقه به سر کلاس‌ها آمده و به انجام تکالیف و کسب دانش می‌پردازد و هم اینکه وقتی وارد بازار کار شد، می‌تواند بهتر از سایرین کارایی داشته باشد و به اصطلاح "اقتصاددان" شود نه "اقتصادخوان". البته این منوط است به اینکه دانشجو متناسب با رشته تحصیلی‌اش کار پیدا کند که متأسفانه در کشور ما مثال‌های نقض فراوانی از این موضوع پیش می‌آید. آنچه که در این تحقیق موردنظر است این است که نقش دروس اختیاری، عمومی و تخصصی در علاقه‌مندی دانشجویان به رشته تحصیلی‌شان به چه صورت است؟ آیا اصلاً این دروس تأثیر متفاوتی بر علاقه دانشجویان دارند یا که نه علاقه دانشجویان ربطی به محتوای دروس ندارد؟

با انجام این تحقیق و مشخص شدن اینکه آیا نقش هر کدام از گروه‌های سه‌گانه دروس بر علاقه به رشته تحصیلی دانشجویان متفاوت است یا نه و اگر متفاوت است کدام یک تأثیر بیشتر و کدام یک تأثیر کمتری دارند، می‌تواند از این جهت سودمند باشد که برنامه‌ریزان آموزشی در محتوای دروس اصلاحاتی را انجام دهند یا اینکه در هر درس اگر علت علاقه بیشتر یا کمتر دانشجو به هر گروهی مربوط است، به آن گروه توصیه شود که برای افزایش علاقه‌مندی دانشجویان به رشته تحصیلی‌شان اقداماتی را انجام دهد؛ مثلاً اگر علت کمبود علاقه دانشجو در هر یک از این دروس سه‌گانه نحوه تدریس و برخورد استاد یا محتوای تدریس شده در سر کلاس است، به اساتید توصیه شود تا برای بهبود علاقه دانشجویان درصدد اصلاح روش تدریس و برخورد خود برآیند و یا اگر مشکل از مجموعه نظام آموزشی به صورت کلی است و نه اساتید، آنگاه پیشنهادهایی برای بهبود کیفیت نظام آموزشی در رشته اقتصاد، از نظر محتوای دروس مصوب یا نحوه ارزشیابی و موارد مشابه ارایه می‌گردد.

اهمیت تحقیق حاضر از اهمیت علاقه دانشجویان به رشته تحصیلی‌شان و پیامدهای آن سرچشمه می‌گیرد. همان‌طور که می‌دانیم بحث علاقه دانشجو به رشته تحصیلی‌اش بسیار مهم است، زیرا اگر دانشجو به رشته‌اش علاقه‌مند باشد می‌تواند هم در طول سال‌های تحصیلی و هم بعد از فارغ‌التحصیلی از بازدهی بالایی برخوردار باشد و بتواند به جامعه علمی و شغلی کشور کمک شایانی نماید. به ویژه رشته اقتصاد که در آن علاقه به موضوع مورد مطالعه در کمک به درک مفاهیم و متغیرهای درهم تنیده اقتصادی تأثیر بسیار زیادی دارد. در واقع یک دانشجوی اقتصاد تا زمانی که واقعا به اقتصاد علاقه‌مند نباشد نمی‌تواند اقتصاددان شود و حتی با وجود معدل بالا فقط در حد اقتصادخوان صرف خواهد ماند؛ واقعیتی که به‌وفور در بین دانشجویان اقتصاد دانشگاه‌های ایران مشاهده می‌شود و مصداق‌های آن دانشجویان با معدل‌های بالایی هستند که نه توانایی تحلیل مسایل اقتصادی را دارند و نه علاقه و به تعبیر خودشان حال و حوصله‌اش را.

البته بحث کمبود یا عدم علاقه دانشجویان اقتصاد به رشته تحصیلی‌شان، یکی از دلایل پرورش به تعبیر نگارنده "طوطی‌های اقتصادخوان" است! عوامل بسیاری در به وجود آمدن چنین معضلی دخالت دارند که به نظر نگارنده مهم‌ترین آن‌ها ضعف دانشگاه‌های ایران در آموزش روش‌شناسی علم اقتصاد به دانشجویان است. متأسفانه معضل بدتر این است که هنوز به‌طور واقعی و ملموس دانشجویان و بعضاً اساتید به وجود چنین معضلی پی نبرده‌اند و یا به سادگی از کنار دروس فلسفه و روش‌شناسی اقتصاد می‌گذرند. جای امید است که برخی اساتید به این موضوع توجه نموده و در این زمینه کارهای ارزشمندی در قالب تالیف و ترجمه مقالات نگاشته شده‌اند، اما به دلیل اهمیت ندادن به موضوع روش‌شناسی علم اقتصاد، برای دانشجویان چندان شناخته‌شده نیست. به عنوان مثال می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد: پیامدهای فقر آموزش روش‌شناسی در دوره‌های آموزشی دانش اقتصاد در ایران [1]، مشکل رشته اقتصاد معاصر چیست؟ [2]، ادراک اقتصادی و درک علم اقتصاد [3] و برداشت‌های نادرست از علم اقتصاد [4].

از سوی دیگر اگر دانشجو به رشته تحصیلی خودش علاقه‌مند نباشد و با اکراه در سر برخی کلاس‌ها حاضر شود به ادامه راه تن در دهد، هم در طول تحصیل و هم در محیط کاری بازدهی چندانی نخواهد داشت و این منجر به اتلاف هزینه‌هایی خواهد شد که در دانشگاه و خوابگاه و خانواده برای تحصیل این چنین دانشجویانی انجام شده است. از این‌رو اهمیت تحقیق حاضر بسیار زیاد می‌باشد. به هر حال امید است که نگارش این مقاله بتواند برای بهبود علاقه‌مندی دانشجویان اقتصاد به ویژه دانشجویان اقتصاد دانشگاه اراک به رشته تحصیلی‌شان مفید واقع شود.

بخش‌بندی مقاله به این صورت است که پس از مقدمه حاضر، در بخش دوم پیشینه تحقیق شامل ادبیات نظری و تجربی تحقیق بیان می‌شود. سپس در فصل سوم روش‌شناسی تحقیق در پنج زیر بخش ارایه می‌گردد. بخش چهارم به تجزیه و تحلیل اختصاص دارد و در بخش پنجم نتیجه‌گیری و پیشنهادهای حاصل از تحقیق بیان می‌شود.

۲- پیشینه تحقیق

۲-۱- ادبیات نظری

به‌طور خلاصه، علل کاهش علاقه‌مندی دانشجویان به رشته تحصیلی‌شان ناشی از دو دسته عوامل درونی و بیرونی است. نبود تناسب بین ظرفیت فعلی دانشگاه‌ها و نیازهای آتی بازار کار، اشدا نبودن اساتید با نحوه انتقال درس و ارتباط با موقعیت رشته در بازار کار، مطرح نبودن مسایل پژوهشی و آموزش‌های کاربردی در دانشگاه و ... از مهم‌ترین عوامل درونی دانشگاه‌ها در افت تحصیلی دانشجویان است. در این تحقیق "نقش دروس اختیاری، عمومی و اختصاصی بر علاقه‌مندی دانشجویان به رشته تحصیلی خود" نیز مورد بررسی قرار گرفته است که در دسته عوامل درونی قرار گرفته است. در این میان نبود امید به این ده شغلی مناسب، کم بودن تعداد کارآفرینان، هزینه‌های فراتر از توان مالی دانشجویان، نبود ارتباط ارگانیک بین دوره‌های آموزش متوسطه و دانشگاهی و نبود روحیه رقابت و مشارکت جمعی در اجرای پروژه‌های علمی، از جمله علل بیرونی در این پدیده است. هر کدام از موارد فوق به‌نوبه خود دارای اهمیت است ولی به دلیل محدودیت در چارچوب مقاله از لحاظ تعداد صفحات و تمرکز بر یک موضوع خاص، لازم است که به‌طور جداگانه عامل موردنظر نویسنده در این مقاله، یعنی نقش دروس اختیاری، عمومی و تخصصی در علاقه‌مندی دانشجویان اقتصاد به رشته تحصیلی‌شان مورد بررسی قرار گیرد.

در هر رشته تحصیلی در دانشگاه سه دسته دروس در برنامه درسی گنجانده شده است که دانشجویان هر رشته لازم است تا تمام یا برخی از آن واحدها را بگذرانند: دروس عمومی که در همه رشته‌ها (یا حداقل در همه گرایش‌های یک رشته) یکسان بوده و لازم است تا دانشجویان آن‌ها را انتخاب کرده و بگذرانند. به عنوان مثال دروسی مانند اندیشه اسلامی، تربیت بدنی، فارسی عمومی، جمعیت و تنظیم خانواده، اخلاق اسلامی، تاریخ اسلام، زبان عمومی و ... دروس عمومی هستند. دسته دوم دروس اختصاصی است که مختص هر رشته بوده و مطالب آن دربردارنده اطلاعات تخصصی درباره رشته موردنظر می‌باشد. دانشجویان با گذراندن این دروس است که تخصص لازم را برای دریافت مدرک دانشگاهی خود و وارد شدن به بازار کار به‌دست می‌آورند.

به عنوان مثال در رشته اقتصاد دروسی مانند اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، اقتصاد بخش عمومی، مالیه بین‌الملل، تجارت بین‌الملل، اقتصاد اسلامی، اقتصادسنجی (به‌جز برای گرایش بازرگانی که جز دروس اختیاری است) و ... دروس اختصاصی هستند. همان‌طور که از نام این دروس پیداست، ارتباط آن با رشته علوم اقتصادی بسیار بیشتر از ارتباط دروس عمومی با هدف رشته است. دسته سوم دروس اختیاری هستند که گذراندن تعداد خاصی از این دروس در هر رشته‌ای لازم است ولی دانشجو می‌تواند با توجه به دروسی که در دانشگاه ارایه می‌شود، برخی از آن‌ها را انتخاب نماید. به عنوان مثال در رشته علوم اقتصادی دروسی مانند اقتصاد صنعتی، اقتصاد کار و نیروی انسانی و ... جز دروس اختیاری هستند که دانشجویان با توجه به علایق خود و برنامه ارایه شده از سوی آموزش دانشکده می‌توانند نسبت به اخذ آن اقدام نمایند.

اما مساله اصلی که در تحقیق حاضر موردنظر است این است که نقش هر یک از این دروس در علاقه‌مندی دانشجویان به رشته تحصیلی خود چقدر است. توضیح اینکه اخذ این دروس و شرکت کردن در سر کلاس‌های مربوط به آن تا چه حد توانسته است که علاقه دانشجو به رشته خود را افزایش دهد. به عنوان مثال ممکن است دانشجویی در سر کلاس درس خاصی احساس کسالت و خستگی نماید و احساس کند مفاهیمی که به او آموزش داده می‌شود ارتباط چندانی به رشته و هدف او ندارد و همین بی‌فایده‌گی درس و خستگی از یک‌سو و اجبار آموزش برای اخذ و گذراندن درس مذکور از سوی دیگر موجب کاهش علاقه وی به رشته تحصیلی و حتی سرخوردگی و ناامیدی او از ادامه تحصیل شود. بنابراین، در این ارتباط سوال‌هایی در قالب پرسشنامه طراحی می‌شود تا محقق به هدف خود در مقاله حاضر دست یابد.

۲-۲- ادبیات تجربی

در این بخش از تحقیق تلاش می‌شود تا به مروری بر مطالعات انجام‌شده در ارتباط با موضوع تحقیق حاضر پرداخته شود. هر چند که درباره علل علاقه‌مندی به رشته تحصیلی تحقیقاتی انجام شده است، ولی در ارتباط با نقش دروس اختیاری، عمومی و تخصصی بر علاقه‌مندی دانشجویان کاری صورت نگرفته است. با این حال تلاش می‌شود تا در این بخش حتی‌الامکان ادبیات تجربی تحقیق مورد بررسی قرار گیرد.

کاظمی پور و همکاران [5] در مطالعه‌ای به بررسی "میزان علاقه‌مندی به رشته تحصیلی در دانشجویان سال آخر بالینی علوم پزشکی شهید صدوقی یزد" با استفاده از توزیع پرسشنامه بین دانشجویان سال آخر مامایی، دندانپزشکی، پرستاری و پزشکی پرداختند و نتیجه گرفتند که اشد شدن با دیدگاه دانشجویان و نظرات آن‌ها، رضایت‌مندی و عدم رضایت‌مندی و علل آن می‌تواند در جهت بهبود کمی و کیفی امور آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌ها کمک‌کننده باشد.

پاکزاد و همکاران [6] به بررسی "عوامل موثر بر علاقه‌مندی دانشجویان دانشگاه کوثر بجنورد به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر تحصیلی" با استفاده از روش پرسشنامه پرداختند. پژوهش آنان از نوع مطالعات توصیفی تحلیلی و به شکل مقطعی در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ با شرکت ۳۱۰ نفر از دانشجویان در دانشگاه کوثر بجنورد انجام شد. نتایج حاکی از آن بود که از مجموع ۱۴ متغیر مستقل مورد مطالعه، نوع رشته تحصیلی و ترم تحصیلی، از عوامل موثر بر علاقه‌مندی دانشجویان به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر تحصیلی هستند.

سالاری و همکاران [7] در مطالعه خود به "بررسی ارتباط پیشرفت تحصیلی با علاقه به رشته تحصیلی در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گیلان" با استفاده از روش پرسشنامه بین ۳۶۵ نفر از دانشجویان پرداختند و نتیجه گرفتند که ارتباط بین علاقه به رشته تحصیلی و معدل معنی‌دار نیست. بنابراین با توجه به نقش کلیدی علاقه‌مندی به رشته تحصیلی در آموزش، به مدیران و اساتید دانشگاه‌های علوم پزشکی توصیه نمودند که با اتخاذ روش‌های مناسب فواید علاقه به رشته تحصیلی را برای دانشجویان تبیین نموده و توانایی‌های آنان را در این زمینه بهبود دهند.

ادیب حاج باقری و همکاران [8] به "بررسی میزان علاقه‌مندی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان به رشته تحصیلی خود و عوامل موثر بر آن" با استفاده از روش پرسشنامه و رگرسیون پرداختند و نشان دادند که اکثر دانشجویان به رشته تحصیلی‌شان علاقه‌مند هستند و آن را با آگاهی انتخاب کرده‌اند. همچنین بین سن و میزان علاقه همبستگی نسبتاً ضعیف، معکوس و معناداری وجود دارد و در بین عوامل موثر بر علاقه، بیشترین عامل "مفید بودن برای جامعه" و "جایگاه رشته در جامعه" بر علاقه دانشجویان به رشته تحصیلی‌شان اثر دارد و پیشنهاد دادند تا با توجه به تاثیر جایگاه اجتماعی و احساس مفید بودن، در ایجاد و حفظ علاقه به حرفه، باید در طول تحصیل دانشجویان کوشید تا احساس مفید بودن برای جامعه در دانشجویان تقویت شود و ظرفیت پذیرش دانشجو با توجه به ظرفیت بازار کار تعیین شود.

طهماسبی [9] در مقاله خود با عنوان "بررسی رابطه کمال‌گرایی، علاقه به رشته تحصیلی و عملکرد تحصیلی در دانشجویان دانشگاه‌های شهید چمران و جندی‌شاپور اهواز" به بررسی رابطه بین کمال‌گرایی، علاقه به رشته تحصیلی و عملکرد تحصیلی در دانشجویان پرداخته و نشان دادند که بین کمال‌گرایی و علاقه به رشته تحصیلی همبستگی منفی معنی‌دار و بین علاقه به رشته تحصیلی و عملکرد تحصیلی همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد. یافته‌ها از وجود رابطه معنی‌دار میان کمال‌گرایی و عملکرد تحصیلی حمایت نکردند.

ارفعی و همکاران [10] در مقاله خود با عنوان "علاقه‌مندی به تحصیل در رشته مامایی و عوامل موثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران" با استفاده از پرسشنامه و با انتخاب ۲۶۰ نفر از دانشجویان کارشناسی مامایی به بررسی عوامل موثر بر علاقه‌مندی آنان پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق ایشان نشان داد که میزان علاقه‌مندی دانشجویان نسبت به رشته تحصیلی‌شان پایین بود. مهم‌ترین عوامل مرتبط با گرایش دانشجویان نسبت به تحصیل در این رشته، مفید واقع شدن آن در تمام مراحل زندگی فردی و وجود تجربیات مهیج در حرفه مامایی بود. بین تحصیلات و شغل والدین، ترم تحصیلی و میزان علاقه‌مندی دانشجویان نسبت به رشته تحصیلی‌شان ارتباطی دیده نشد.

در پایان آن‌ها چنین نتیجه گرفتند که با توجه به اینکه فراگیران از علاقه کافی برای تحصیل در این رشته برخوردار نبودند و تنها ماهیت شغلی این حرفه مورد توجه دانشجویان بود می‌توان این‌گونه قضاوت کرد که ایشان حرفه این ده خود را چندان مطابق با نیازها و انتظاراتشان ارزیابی نکرده و بدیهی است که عواقب سو ناشی از این مساله متوجه نظام آموزش مامایی و سیستم سلامت کشور خواهد بود.

مقصودی [11] در تحقیق خود نشان داد که از دیدگاه دبیران ریاضی، علاوه بر ویژگی‌های حرفه‌ای معلم، ضعف رهبری آموزشی و ویژگی فرهنگ حاکم بر خانواده، مساله وجود حالات نامساعد عاطفی، از جمله ارزش، نگرش، گرایش، ناتوانی، عدم نشاط، انزجار و تنفر در درس ریاضی می‌باشد. طالب زاده [12] چنین نتیجه می‌گیرد که بین امکانات آموزشی، استاد، نقش اجتماعی، مشوق‌های تحصیلی، همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

شریف خلیفه سلطانی و همکاران [13] بیان کردند که اگر بین رشته تحصیلی فرد با توانایی‌ها و علاقه‌های وی تناسب وجود داشته باشد، علاقه‌مندی بیشتر به رشته و کارآمدی و موفقیت او را به همراه دارد. عطاپور [14] در پژوهش خود دریافت که بین علاقه‌مندی به تحصیل با نگرش فردی به تحصیل و متغیرهای شخصیتی در نمونه پسران رابطه وجود دارد.

۳- روش‌شناسی تحقیق

در تحقیق حاضر از دو روش متداول در تحقیقات علوم انسانی به نام‌های روش اسنادی و روش پیمایشی استفاده می‌شود. در روش اسنادی برای تهیه چارچوب نظری تحقیق، مطالعه و پیشینه و سوابق تحقیقات انجام شده و نظریاتی که در رابطه با موضوع وجود دارد مراجعه می‌شود. سپس در مرحله بعدی به تهیه شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق پرداخته شده و در پایان با استفاده از گویه‌سازی، پرسشنامه تحقیق ساخته می‌شود. در این تحقیق واحد تحلیل و واحد مشاهده در سطح فرد می‌باشد و ابزار مشاهده نیز مصاحبه از طریق پرسشنامه ساخت یافته است که اطلاعات لازم گردآوری می‌شود.

۳-۱- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده می‌شود. برای نمایش یافته‌ها و داده‌های تحقیق از هر دو نوع آمار توصیفی و استنباطی استفاده می‌شود که در بخش یافته‌های توصیفی با استفاده از جداول و نمودارها به بررسی موقعیت و نظر هر کدام از پاسخگویان پرداخته می‌شود و در بخش استنباطی از آزمون‌های پارامتری و با توجه به سطح سنجش داده‌ها استفاده می‌شود.

۳-۲- قلمرو تحقیق (زمانی، مکانی و موضوعی)

تحقیق حاضر از نظر موضوعی به بررسی مقایسه‌ای سهم و نقش دروس اختیاری، عمومی و تخصصی بر علاقه‌مندی به تحصیل دانشجویان اقتصاد دانشگاه اراک می‌پردازد، لذا محدوده مکانی آن دانشگاه اراک را شامل می‌شود و از نظر زمانی نیز سال ۱۴۰۴ می‌باشد.

۳-۳- جامعه و نمونه آماری

جامعه مورد نظر در این پژوهش، دانشجویان مشغول به تحصیل در رشته اقتصاد در دانشگاه اراک بوده و نمونه آماری تحقیق، شامل ۱۰۰ نفر از دانشجویان رشته اقتصاد که در این دانشگاه مشغول تحصیل اند می‌باشد. برای انتخاب نمونه آماری از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده می‌شود. به این ترتیب که از بین دانشجویان اقتصاد دانشگاه اراک ۱۰۰ نفر انتخاب شده و ۱۰۰ پرسشنامه در بین آن‌ها توزیع گردیده و پس از پاسخگویی توسط آن‌ها، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۳-۴- فرضیه تحقیق

تحقیق حاضر دارای یک فرضیه اصلی است که به نظر می‌رسد بین نقش دروس اختیاری، عمومی و تخصصی بر علاقه‌مندی دانشجویان اقتصاد دانشگاه اراک به رشته اقتصاد تفاوت معناداری وجود دارد.

۳-۵- روایی و پایایی ابزار گردآوری داده‌ها

در تحقیق حاضر روایی ابزار (پرسشنامه) به این صورت به دست آمده که ابتدا به دقت توسط محقق بررسی و تجزیه و تحلیل شده، همچنین جهت تحکیم آن از اساتید و صاحب نظران در این حوزه مطالعاتی نظرخواهی شده است. جهت تعیین پایایی ابزار از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. روش آلفای کرونباخ برای محاسبه همسانی و هماهنگی درونی پرسشنامه یا آزمون‌هایی که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کنند به کار می‌رود. ضریب آلفای کرونباخ معرف میزان هم‌پوشی پرسش‌های مختلف آزمون (مقیاس) از لحاظ سنجش یک ویژگی مشترک است. هر چه آلفا بیشتر باشد، روایی مقیاس بیشتر خواهد بود. در بیشتر تحقیقات علوم انسانی که هدف پژوهشگر بررسی میزان همبستگی دو متغیر است آلفای بالاتر از ۰/۷ مطلوب و مورد قبول است. از این رو جهت پایایی از ضریب آلفای کرونباخ از طریق نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

۴- تجزیه و تحلیل

در این بخش یافته‌های تحقیق در دو بخش توصیفی و استنباطی قابل شرح می‌باشد. برای توصیف داده‌ها از آماره‌های توصیفی کمک گرفته می‌شود. ابتدا به بیان نتایج مربوط بررسی پایایی ابزار تحقیق (پرسشنامه) پرداخته شده و در مرحله بعد در بخش توصیفی تجزیه و تحلیل، مشخصات پاسخ‌گویان برحسب سن، سال تحصیلی، وضعیت سکونت و جنسیت، ارایه می‌گردد. سپس در بخش سوم در ارتباط با فرضیه اصلی تحقیق در حیطه آمار توصیفی و آمار استنباطی، عملیاتی روی آن‌ها صورت گرفته و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند که ارایه می‌گردد.

۴-۱- پایایی ابزار تحقیق

همان‌طور که گفته شد، جهت پایایی از ضریب آلفای کرونباخ از طریق نرم‌افزار SPSS استفاده شد که در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- نتایج آزمون آلفای کرونباخ درباره مقیاس میزان علاقه‌مندی دانشجویان اقتصاد به رشته اقتصاد.

Table 1- Results of Cronbach's alpha test on the scale of interest of economics students in the field of economics.

مولفه	آلفای کرونباخ
علاقه‌مندی به رشته تحصیلی	0.847
دروس اختیاری	0.840
دروس عمومی	0.551
دروس تخصصی	0.786
ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس: ۰/۸۸۷	
تعداد گویه‌ها: ۲۱، تعداد مولفه‌ها: ۴	
تعداد پاسخگویان: ۱۰۰	

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود مقدار آلفای کرونباخ برای کل مقیاس، برابر با ۰/۸۸۷ شده است و این مقدار بزرگتر از ۰/۷ است و این نشان از پایایی عالی سوالات اصلی پرسشنامه می‌باشد. اطلاعات مفید دیگری به جز ضریب کل مقیاس در ستون دوم آمده است. ستون اول مولفه یا متغیرهایی که در فرضیه‌های تحقیق به کار رفته‌اند را نشان می‌دهد. ستون دوم مقدار آلفای کرونباخ مربوط به هر متغیر را بیان می‌کند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیشترین مقدار آلفا مربوط به متغیر دروس اختیاری و کمترین آن‌ها مربوط به دروس عمومی است.

مشخصات پاسخگویان

در این قسمت متغیرهای زمینه‌ای ویژگی‌های پاسخ‌گویان را برحسب سن، سال تحصیلی، وضعیت سکونت و جنسیت، مورد بررسی و توصیف قرار گرفته است. لازم به ذکر است که کلیه پاسخگویان، دانشجویان دوره کارشناسی بوده‌اند.

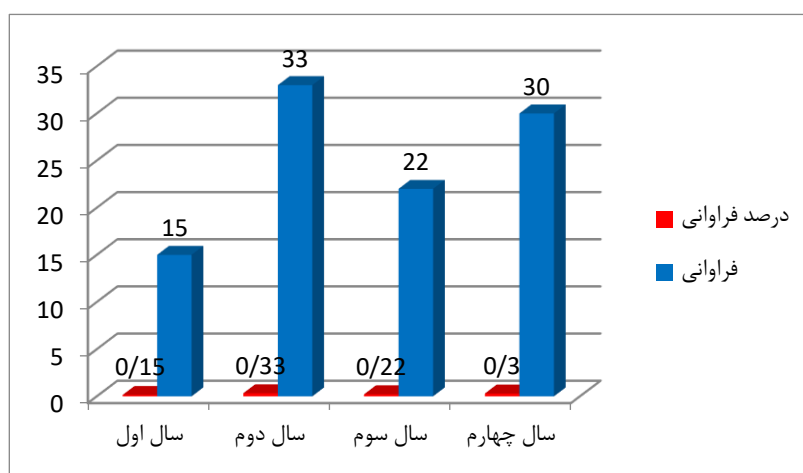
مشخصات پاسخگویان برحسب سال تحصیلی

در این پژوهش متغیر سال تحصیلی به چهار طبقه: سال اول، دوم، سوم و چهارم تقسیم شده است. نتایج حاصل از توصیف داده‌ها برحسب سال تحصیلی در جدول ۲ و شکل ۱ نشان داده شده است.

جدول ۲- توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب سال تحصیلی.

Table 2- Frequency and percentage distribution of respondents by academic year.

درصد فراوانی					فراوانی				
مجموع	سال چهارم	سال سوم	سال دوم	سال اول	مجموع	سال چهارم	سال سوم	سال دوم	سال اول
100.0	30.0	22.0	33.0	0.15	100	30	22	33	15



شکل ۱- توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب سال تحصیلی.

Figure 1- Frequency and percentage distribution of respondents by academic year.

داده‌های جدول ۲ و شکل ۱ نشان‌دهنده آن است که از بین پاسخ‌گویان، ۱۵٪ (۱۵ نفر) دانشجوی سال اول هستند. ۳۳٪ (۳۳ نفر) هم دانشجوی سال دوم هستند. ۲۲٪ (۲۲ نفر) سال سومی و ۳۰٪ (۳۰ نفر) سال چهارم هستند. سال دومی‌ها با ۳۰٪ دارای بیشترین فراوانی و سال اولی‌ها با ۱۵٪ دارای کمترین فراوانی می‌باشند.

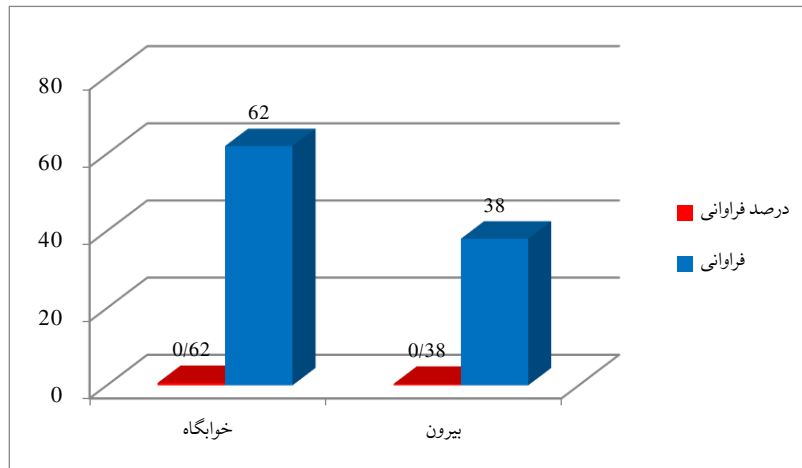
مشخصات پاسخگویان برحسب وضعیت سکونت

نتایج حاصل از توصیف داده‌ها برحسب وضعیت سکونت (خوابگاه یا بیرون مثل خانه دانشجویی یا خانواده) در جدول ۳ و شکل ۲ نشان داده شده است.

جدول ۳- توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب وضعیت سکونت.

Table 3- Frequency and percentage distribution of respondents by residence status.

درصد فراوانی			فراوانی		
مجموع	بیرون	خوابگاه	مجموع	بیرون	خوابگاه
100.0	38.0	62.0	100	38	62



شکل ۲- توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب وضعیت سکونت.

Figure 2- Frequency and percentage distribution of respondents by residence status.

داده‌های جدول ۳ و شکل ۲ نشان‌دهنده آن است که از بین پاسخ‌گویان ۶۲٪ (۶۲ نفر) ساکن خوابگاه و ۳۸٪ دیگر (۳۸ نفر) در بیرون از خوابگاه ساکن بوده‌اند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در بین پاسخ‌گویان تعداد و درصد خوابگاهی‌ها بیشتر از تعداد و درصد دانشجویانی هستند که در بیرون از خوابگاه سکونت دارند.

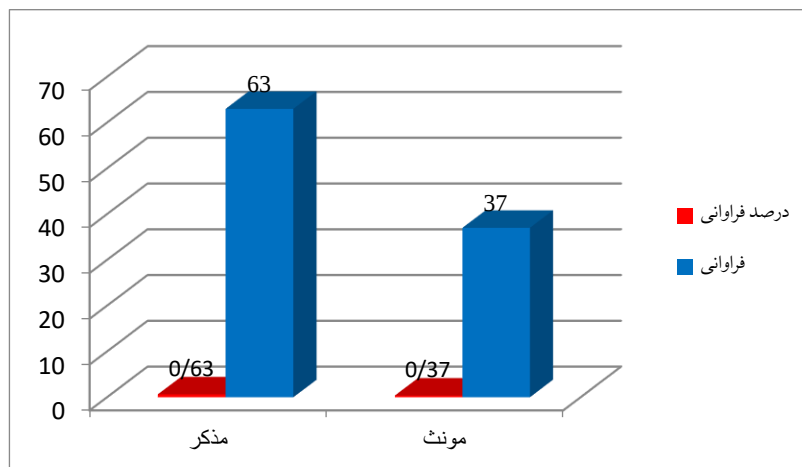
مشخصات پاسخگویان برحسب جنسیت

نتایج حاصل از توصیف داده‌ها برحسب وضعیت جنسیت در جدول ۴ و شکل ۳ نشان داده شده است.

جدول ۴- توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب جنسیت.

Table 4- Frequency and percentage distribution of respondents by gender.

درصد فراوانی			فراوانی		
مجموع	مونث	مذکر	مجموع	مونث	مذکر
100.0	0.37	0.63	100	37	63



شکل ۳- توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب جنسیت.

Figure 3- Frequency and percentage distribution of respondents by gender.

همان‌طور که در جدول ۴ و شکل ۳ مشاهده می‌شود از میان پاسخ‌گویان تحقیق برحسب جنسیت، ۶۳٪ مذکر (۶۳ نفر) و ۳۷٪ مونث (۳۷ نفر) بوده‌اند. چنانچه ملاحظه می‌شود در بین پاسخ‌گویان نسبت پسران بیشتر از دختران می‌باشد.

با بررسی و تجزیه و تحلیل ۳ متغیر جمعیت شناختی تحقیق شامل: سال تحصیلی، وضعیت سکونت و جنسیت، بخش تحلیل توصیفی تحقیق حاضر به پایان می‌رسد. در ادامه به تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌های تحقیق و آزمون فرضیه تحقیق پرداخته می‌شود.

۳-۴- آزمون فرضیه تحقیق

همان‌طور که گفته شد تحقیق حاضر دارای یک فرضیه است که درصدد بررسی مقایسه‌ای نقش دروس اختیاری، عمومی و تخصصی بر علاقه‌مندی دانشجویان اقتصاد دانشگاه اراک به رشته تحصیلی‌شان است. بنابراین در ادامه مقاله به آزمون فرضیه تحقیق پرداخته می‌شود.

۱-۳-۴- فرضیه اصلی تحقیق

به نظر می‌رسد در بین نقش دروس اختیاری، عمومی و تخصصی بر علاقه‌مندی به رشته تحصیلی دانشجویان اقتصاد دانشگاه اراک تفاوت معناداری وجود دارد. برای آزمون فرضیه فوق به این صورت عمل می‌کنیم که ابتدا چهار متغیر تحقیق را که شامل سه متغیر مستقل: دروس اختیاری، دروس عمومی و دروس تخصصی و یک متغیر وابسته میزان علاقه‌مندی دانشجویان به رشته تحصیلی خود است را تعریف کرده و سپس با استفاده از داده‌های مربوط به متغیرهای چهارگانه که از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است، با استفاده از نرم‌افزار SPSS به برآورد رگرسیون می‌پردازیم و در نهایت ضرایب مربوط به هر کدام از متغیرهای مستقل را با هم مقایسه کرده است. در نهایت نتیجه می‌گیریم که کدام یک از متغیرهای مستقل به ترتیب بر میزان علاقه‌مندی دانشجویان به رشته تحصیلی‌شان اهمیت بیشتری دارند. بنابراین، در اینجا برای مطالعه تاثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است که در ادامه به توضیح آن پرداخته می‌شود.

در این تحلیل از روش رگرسیون هم‌زمان (یا اجباری)^۱ استفاده شده است [15]. به این صورت که تمامی متغیرهای مستقل شامل دروس اختیاری، عمومی و تخصصی بر روی متغیر وابسته علاقه‌مندی به رشته تحصیلی رگرسیون شده‌اند. جدول ۵ اطلاعات مربوط به رگرسیون مذکور را ارائه می‌دهد.

جدول ۵- نتایج آزمون تحلیل رگرسیون درباره عوامل موثر بر علاقه‌مندی به رشته تحصیلی.

Table 5- Results of regression analysis on factors affecting interest in the field of study.

روش ورود متغیرها	هم‌زمان یا Enter
ضریب همبستگی چندگانه	R = 0.862
ضریب تعیین	R Square = 0.743
ضریب تعیین تعدیل یافته	Adjusted R Square = 0.729
خطای معیار	S.E = 0.467
سطح معناداری مربوط به تحلیل واریانس	Sig = 0

همان‌طور که در جدول ۵ نشان داده شده است، در این مطالعه ضریب تعیین برابر ۰/۷۴۳ گزارش شده است. این یافته به این معناست که متغیرهای مستقل سه‌گانه توانسته‌اند ۷۴۳٪ از تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین نمایند. ضریب تعیین تعدیل یافته که مربع همبستگی تعدیل شده را نشان می‌دهد در این تحقیق برابر با ۰/۷۲۹ می‌باشد. این معیار نسبت به ضریب تعیین واقعی‌تر است، زیرا الزاما با افزایش متغیرهای مستقل افزایش نمی‌یابد. سطر آخر جدول ۵، سطح معناداری مربوط به تحلیل واریانس رگرسیون، به منظور بررسی قطعیت وجود رابطه خطی بین متغیرهاست. در تحقیق حاضر مقدار آن برابر با صفر شده است که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین، فرض خطی بودن مدل رگرسیون تایید می‌شود. نتایج حاصل از انجام رگرسیون در جدول ۶ ارائه شده است.

¹ Enter

جدول ۶- ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون درباره عوامل موثر بر علاقه‌مندی دانشجویان اقتصاد دانشگاه اراک به رشته تحصیلی خود.

Table 6- Regression analysis test coefficients on factors affecting the interest of economics students at Arak University in their field of study.

متغیرهای مستقل	b	Beta	S.E	t	Sig
a مقدار ثابت (عرض از مبدا)	5.51	—	2.512	2.193	0.032
X ₁ دروس اختیاری	0.654	0.49	0.1	6.546	0
X ₂ دروس عمومی	-2.064	-0.568	0.691	-2.940	0.005
X ₃ دروس تخصصی	2.128	1.069	0.386	5.512	0

در جدول ۶ در ستون b به ترتیب ضرایب رگرسیون و مقدار ثابت ارایه شده است. بقیه ستون‌ها به ترتیب شامل موارد زیر است: Beta مقادیر استاندارد شده و مقدار استاندارد شده ضرایب که نشان‌دهنده میزان تغییر در متغیر وابسته به ازای تغییری به اندازه یک انحراف معیار در متغیر مستقل است را نشان می‌دهد و هر چه مقدار آن بزرگتر باشد رابطه قوی‌تر متغیر وابسته و متغیر مستقل را نشان می‌دهد. سپس، خطای معیار ضرایب ستون b که با S.E نشان داده شده است و در نهایت، آماره t و Sig که جهت فرض تساوی هر یک از ضرایب ستون b با عدد صفر ارایه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود مقدار Sig مربوط به مقدار ثابت (عرض از مبدا) و متغیرهای دروس اختیاری، عمومی و تخصصی کمتر از ۰/۰۵ است، فرض تساوی ضرایب متغیرهای مذکور و مقدار ثابت با مقدار صفر رد می‌شود؛ به عبارت دیگر این سه متغیر و مقدار ثابت بر متغیر وابسته (میزان علاقه‌مندی) تاثیر گذارند.

با توجه به نتایج حاصل از انجام رگرسیون که در جدول ۶ نمایش داده شده است، می‌توان معادلات رگرسیونی استاندارد و غیراستاندارد را چنین نوشت:

معادله رگرسیونی غیراستاندارد چنین است:

$$Y = a + b_1 X_1 + b_2 X_2 + b_3 X_3. \quad (۱)$$

که در آن Y بیانگر متغیر وابسته تحقیق یعنی میزان علاقه‌مندی دانشجویان به رشته اقتصاد است. متغیرهای X₁ تا X₃ در جدول ۶ تعریف شده‌اند و هر کدام از b₁ تا b₃ ضرایب مربوط به هر کدام از متغیرهای مستقل تحقیق هستند. مقدار a هم به عنوان مقدار ثابت یا عرض از مبدا رگرسیون فوق تعریف شده است. حال با توجه به داده‌های جدول ۶ می‌توان تخمین معادله رگرسیون غیراستاندارد را برای تحقیق حاضر چنین نوشت:

$$Y = 5.510 + .654 X_1 - 2.046 X_2 + 2.128 X_3. \quad (۲)$$

تفسیر این معادله به این معناست که با افزایش هر واحد متغیر مستقل X_i، نمره متغیر وابسته Y به اندازه چند واحد ضریب رگرسیون b_i تغییر می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت با افزایش (بهبود) مقادیر مربوط به متغیرهای دروس اختیاری و تخصصی، به ترتیب، ۰/۶۵۴ و ۲/۱۲۸ به میزان علاقه‌مندی دانشجویان به رشته تحصیلی‌شان افزوده می‌شود، ولی با افزایش مقادیر مربوط به متغیر دروس عمومی به میزان ۲/۰۴۶ از میزان علاقه‌مندی دانشجویان به رشته تحصیلی‌شان کاسته می‌شود. در واقع نتایج رگرسیون بیان می‌کنند که دروس عمومی نه‌تنها برای دانشجویان جذابیت ندارد، بلکه از میزان علاقه آنان به رشته تحصیلی‌شان نیز می‌کاهد.

معادله رگرسیونی استاندارد نیز به این صورت نوشته می‌شود:

$$Y' = B_1 X_1 + B_2 X_2 + B_3 X_3, \quad (۳)$$

که در آن Y' بیانگر متغیر وابسته تحقیق یعنی میزان علاقه‌مندی دانشجویان اقتصاد به رشته تحصیلی‌شان است. متغیرهای X₁ تا X₃ در جدول ۶ تعریف شده‌اند و هر کدام از B₁ تا B₃ ضرایب استاندارد شده مربوط به هر کدام از متغیرهای سه‌گانه تحقیق هستند. مقدار a هم به عنوان مقدار ثابت یا عرض از مبدا رگرسیون فوق صفر است. حال با توجه به داده‌های جدول ۶ می‌توان تخمین معادله رگرسیون استاندارد را برای تحقیق حاضر چنین نوشت:

$$Y' = .49 X_1 - .568 X_2 + 1.069 X_3. \quad (۴)$$

ارقام مندرج در معادله فوق به این معناست که با افزایش یک واحد انحراف استاندارد متغیر مستقل X_i ، میزان متغیر وابسته Y' به اندازه B_i انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. بنابراین، افزایش (بهبود) یک واحد انحراف استاندارد متغیرهای مستقل: دروس اختیاری و تخصصی، به ترتیب میزان علاقه‌مندی دانشجویان به اندازه ۰/۴۹ و ۱/۰۶۹ انحراف معیار افزایش می‌یابد و با افزایش (بهبود) یک واحد انحراف استاندارد متغیر مستقل: دروس عمومی، به ترتیب میزان علاقه‌مندی دانشجویان به اندازه ۰/۵۶۸ انحراف معیار کاهش می‌یابد.

نکته مهم و قابل توجه این است که برای مقایسه اثرات متغیرهای مستقل تاثیرگذار بر متغیر وابسته مدل رگرسیون، فقط از ضرایب استاندارد شده $Beta$ استفاده می‌شود. بنابراین، در اینجا نیز برای مقایسه تاثیرات متغیرهای مستقل بر میزان علاقه‌مندی از مقادیر ستون دوم جدول ۶ استفاده می‌شود. با مقایسه اعداد مربوط به این ستون می‌توان دریافت که متغیر دروس تخصصی بیشترین نقش را بر میزان علاقه‌مندی دانشجویان اقتصاد به رشته تحصیلی‌شان دارد. بعد از آن دروس اختیاری بیشترین نقش را دارد و در نهایت دروس عمومی هستند که نه تنها موجب افزایش علاقه‌مندی دانشجویان به رشته تحصیلی‌شان نمی‌شود، بلکه از میزان علاقه آنان نیز می‌کاهد.

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون که در بالا آمد باید گفت که فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه بین نقش دروس اختیاری، عمومی و تخصصی بر علاقه‌مندی به رشته تحصیلی دانشجویان اقتصاد دانشگاه اراک تفاوت معناداری وجود دارد، تایید می‌شود و میزان این تفاوت هم که در بالا ذکر شد. پس به طور خلاصه باید گفت که دروس اختیاری، عمومی و تخصصی به میزان متفاوتی بر علاقه‌مندی دانشجویان تاثیر دارند، به این ترتیب که دروس تخصصی موجب بیشترین علاقه‌مندی در دانشجویان می‌شود و دروس عمومی موجب کاهش علاقه‌مندی دانشجویان اقتصاد به رشته تحصیلی‌شان می‌گردد.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این تحقیق تلاش شد تا از یک زاویه متفاوت به موضوع علاقه‌مندی دانشجویان به تحصیل نگریسته شود. به این ترتیب که نقش هر یک از دروس سه‌گانه اختیاری، عمومی و تخصصی بر علاقه‌مندی دانشجویان اقتصاد به رشته تحصیلی‌شان مورد بررسی قرار گرفت. به این منظور، دانشجویان کارشناسی اقتصاد دانشگاه اراک به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شد و از میان آنان ۱۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شد و پرسشنامه خود ساخته در میان این ۱۰۰ نفر توزیع گردید و با تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS به تجزیه و تحلیل توصیفی و استنباطی موضوع تحقیق پرداخته شد.

پس از تحلیل کیفی و اعلام نتایج مربوط به آن، به تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌های تحقیق و آزمون فرضیه تحقیق پرداخته شد. تحقیق دارای یک فرضیه بود که درصدد بررسی مقایسه‌ای نقش دروس اختیاری، عمومی و تخصصی بر علاقه‌مندی دانشجویان به رشته تحصیلی اقتصاد بود. بنابراین، در قسمت تجزیه و تحلیل استنباطی تحقیق به آزمون فرضیه تحقیق پرداخته شد. برای آزمون فرضیه ابتدا چهار متغیر تحقیق را که شامل سه متغیر مستقل: دروس اختیاری، دروس عمومی و دروس تخصصی و یک متغیر وابسته میزان علاقه‌مندی دانشجویان به رشته تحصیلی خود بود را تعریف کرده و سپس با استفاده از داده‌های مربوط به متغیرهای چهارگانه که از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شد، با استفاده از نرم‌افزار SPSS به تشکیل رگرسیون پرداخته و در نهایت ضرایب مربوط به هر کدام از متغیرهای مستقل با هم مقایسه شد.

با انجام رگرسیون و بررسی خروجی‌های آن در نرم‌افزار SPSS در این مطالعه ضریب تعیین برابر ۰/۷۴۳ به دست آمد. این یافته به این معناست که متغیرهای مستقل سه‌گانه توانسته‌اند ۰/۷۴۳٪ از تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین نمایند. ضریب تعیین تعدیل‌یافته که مربع همبستگی تعدیل‌شده را نشان می‌دهد در این تحقیق برابر با ۰/۷۲۹ شد. ضرایب هر یک از متغیرهای سه‌گانه مستقل تحقیق به دست آمد و با هم مورد مقایسه قرار گرفت. برای دقت بیشتر هم رگرسیون استاندارد و هم رگرسیون غیراستاندارد مورد توجه قرار گرفت. با توجه به نتایج حاصل از رگرسیون غیراستاندارد این‌گونه بیان گردید که با افزایش (بهبود) مقادیر مربوط به متغیرهای دروس اختیاری و تخصصی، به ترتیب ۰/۶۵۴ و ۲/۱۲۸ به میزان علاقه‌مندی دانشجویان به رشته تحصیلی‌شان افزوده می‌شود، ولی با افزایش مقادیر مربوط به متغیر دروس عمومی به میزان ۲/۰۴۶ از میزان علاقه‌مندی دانشجویان به رشته تحصیلی‌شان کاسته می‌شود. در واقع نتایج رگرسیون بیان کردند که دروس عمومی نه تنها برای دانشجویان جذابیت ندارد بلکه از میزان علاقه آنان به رشته تحصیلی‌شان نیز می‌کاهد.

نتایج حاصل از رگرسیون استاندارد نیز نشان داد که افزایش (بهبود) یک واحد انحراف استاندارد متغیرهای مستقل: دروس اختیاری و تخصصی، به ترتیب میزان علاقه‌مندی دانشجویان به اندازه ۰/۴۹ و ۱/۰۶۹ انحراف معیار افزایش می‌یابد و با افزایش (بهبود) یک واحد انحراف استاندارد متغیر مستقل: دروس عمومی، میزان علاقه‌مندی دانشجویان به اندازه ۰/۵۶۸ انحراف معیار کاهش می‌یابد. با مقایسه اعداد مربوط به ضرایب استاندارد می‌توان دریافت که متغیر دروس تخصصی بیشترین نقش را بر میزان علاقه‌مندی دانشجویان به رشته تحصیلی‌شان دارد. بعد از آن دروس اختیاری بیشترین نقش را دارد و در نهایت دروس عمومی هستند که نه‌تنها موجب افزایش علاقه‌مندی دانشجویان به رشته تحصیلی‌شان نمی‌شود بلکه از میزان علاقه آنان نیز می‌کاهد.

به‌طور خلاصه این نتیجه حاصل شد که با توجه به نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه: در بین نقش دروس اختیاری، عمومی و تخصصی بر علاقه‌مندی به رشته تحصیلی دانشجویان اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز تفاوت معناداری وجود دارد، تایید می‌شود. پس به‌طور خلاصه باید گفت که دروس تخصصی، عمومی و اختیاری به میزان متفاوتی بر علاقه‌مندی دانشجویان تاثیر دارند، به این ترتیب که دروس تخصصی موجب بیشترین علاقه‌مندی در دانشجویان می‌شود و دروس عمومی موجب کاهش علاقه‌مندی دانشجویان به رشته تحصیلی‌شان می‌گردد. با توجه به نتایج حاصل از بررسی توصیفی و مبانی نظری تحقیق که در فصل دوم ارائه شد و با توجه به نتایج آزمون فرضیه تحقیق، پیشنهادهای زیر برای افزایش میزان علاقه‌مندی دانشجویان اقتصاد به رشته تحصیلی‌شان ارائه می‌گردد:

۱. اولین و مهم‌ترین پیشنهادی که می‌توان داد این است که لازم است برای بهبود معیارهای مربوط به افزایش علاقه‌مندی دانشجویان به دروس عمومی اقداماتی صورت گیرد. معیارهایی از قبیل محتوای دروس، ساعات کلاسی، تئوری یا تجربی بودن دروس، نحوه تدریس اساتید و برخورد آن‌ها، نحوه ارزشیابی اساتید، دوری از افراط و تفریط در بیان ارزشمندی دروس عمومی نسبت به سایر دروس، تعداد واحدهای مربوط به این دروس و ... که بخشی از آن بر عهده مجموعه دانشکده و گروه و اساتید این دروس است و بخشی دیگر مربوط به شورای برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم می‌باشد.
۲. از آنجایی که در زمینه تاثیر عوامل مختلف (درونی و بیرونی) بر علاقه‌مندی دانشجویان به رشته تحصیلی‌شان کارهای تحقیقاتی چندانی صورت نگرفته است، پیشنهاد می‌شود تا دانشجویان وارد این حیطه شده و به بررسی این موضوع به صورت علمی بپردازند. از آنجایی که این مساله به‌طور مستقیم در ارتباط با زندگی دانشجویان است، می‌تواند موضوعی جالب برای انجام پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد باشد. اساتید محترم اقتصاد هم بدون شک در تشویق دانشجویان برای کار کردن بر روی این موضوع موثر خواهند بود.
۳. از دانشجویان عزیز نیز تقاضا می‌شود تا علیرغم برخی کاستی‌ها در نظام آموزشی ایران نهایت تلاش خود را بنمایند تا در امر تحصیل از هیچ کوششی فروگذار نکنند. در ضمن دانشجویان می‌توانند به‌طور منطقی و از طریق کارهایی از قبیل نگارش تحقیق و پایان‌نامه در این موضوعات، درخواست‌های خود را که مربوط به علل کاهش علاقه آنان به رشته تحصیلی‌شان شده است را به گوش مسئولین زیربط برسانند.

منابع

- [1] Nayeib, S. (2008). Consequences of the poverty of methodological education in economic knowledge courses in Iran. *Quarterly journal of economy and society*, 4(15-16), 197-213. (In Persian). <https://ensani.ir/file/download/article/20100924073453-p0380700161971-SPHVOI.pdf>
- [2] Yousefi, M. Gh. (2006). What is the problem with the field of contemporary economics? *Quarterly journal of political economics*, 2, 116-147. (In Persian). <https://ensani.ir/file/download/article/20100913144559-p0506400021161-3ZS7ZT.pdf>
- [3] Momeni, F. (2006). Economic perception and understanding economics. *Quarterly journal of political economy*, 3, 36-63. (In Persian). <https://alefbalib.com/index.aspx?pid=256&PdfID=173646>
- [4] Yousefi, M. G. (2008). Misconceptions about economics. *Quarterly journal of economics and society*, 4(15-16), 137-196. (In Persian). <https://ensani.ir/file/download/article/20100924073444-p0380700161371-URKYRL.pdf>
- [5] Kazempour, M., Khodabakhsh, M., Moshirinia, F., Esmaeili, M. M., & Esmaeili, M. M. (2016). Survey of interest level in the field of study in final year clinical students at Shahid Sadoughi University of medical sciences, Yazd. *Quarterly journal of the horizon of development of medical sciences education*, 16(3), 20-35. (In Persian). <https://doi.org/10.22038/hmed.2024.81820.1408>
- [6] Pakzad, A., Basiri, E., & Mohebi, F. (2011). Investigating factors affecting students' interest in continuing their education at higher levels (Case study: Kowsar university of Bojnourd). *18th international conference on management*, Tehran, Iran. Civilica. (In Persian). <https://civilica.com/doc/1486922>
- [7] Salari, A., Emami-Sigaroudi, A. H., Zarsabet, F., Shakiba, M., Khojasteh, M., & Sharifi, M. (2018). Study of the relationship between academic achievement and interested in academic field in nursing students. *Research in medical education*, 10(2), 68-75. (In Persian). <http://rme.gums.ac.ir/article-1-426-en.html>

- [8] Adib-Hajbaghery, M., Arabi Matin Abadi, M. J., Ghadirzadeh, Z., Moujoodi, H., & Mehdiansaripour, M. (2017). Interest in the field of study and affecting factors: The viewpoint of students of Kashan University of medical sciences. *Iranian journal of medical education*, 17, 24-34. **(In Persian)**. <http://ijme.mui.ac.ir/article-1-4134-fa.html>
- [9] Amani, M., & Kiani, A. (2017). Study of relationship between perfectionism and academic performance: Mediating role of self-regulation and academic self-efficacy. *Journal of applied psychological research*, 8(2), 51-68. **(In Persian)**. <https://doi.org/10.22059/japr.2017.63707>
- [10] Arfaei, K., AMIR, A. L. I. A. S., ALAVI, M. H., & others. (2008). Assessing midwifery students interest in their career at medical sciences Universities in Tehran. *Journal of knowledge & health in basic medical sciences*, 3(1), 28-32. **(In Persian)**. <https://www.sid.ir/paper/107876/en#downloadbottom>
- [11] Ali, M. (2024). Investigating the reasons for students' failure in mathematics. *The first international conference of education leaders*, Khorram Abad, Iran. Civilica. **(In Persian)**. <https://civilica.com/doc/2219663>
- [12] Talebzadeh, M. (1999). Study of factors affecting the academic achievement of successful third-year middle school students in Ahvaz city in the academic year 1998-1999, Ahvaz. *Khuzestan province research council publication*, 3(1), 25-31. **(In Persian)**. <https://www.sid.ir/paper/434280/fa>
- [13] Soltani, M. S. K., Ahmadi, S. A., & Kabriaei, and M. (1999). Investigating the degree of correlation between the branches of academic guidance and academic achievement of third-year students and their attitude towards their chosen major in high schools in Kashan in the academic year 2000-2006. *Quarterly journal of counseling research*, (5-6), 57-72. **(In Persian)**. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/917508>
- [14] Shahla Atapour. (2003). Investigating the relationship between motivation for academic achievement of middle school students and their family and personality factors. *Doctrine quarterly*, (18), 76-84. **(In Persian)**. <https://ensani.ir/file/download/article/20100919103042-10.pdf>
- [15] Ghiyathvand, A. (2008). *Application of statistics and SPSS software in data analysis*. Loye, Motefakeran Press. **(In Persian)**. <https://B2n.ir/mf3829>